

بررسی و تعیین نقش علمای استان مرکزی در انقلاب مشروطیت

اشرف‌السادات میرداوودی

مقدمه

از میان حوادث اجتماعی جامعه ما، نهضت مشروطیت نقش ویژه‌ای دارد؛ زیرا که نمایانگر نخستین مواجهه مستقیم بین فرهنگ سنتی اسلام و غرب در ایران جدید است. در واقع، مشروطیت را می‌توان حاصل یک قرن اختلاف و کشمکش میان دولت و علما دانست و این خود موضوع بسیاری از تحقیقات سیاسی-اجتماعی و تاریخی شده است که نقش علما را در این جنبش مشخص کنند و نظر به اینکه این مقاله برای ارائه در نخستین همایش ملی جلوه‌های فرهنگی و تمدن ایران زمین تهیه شده است لذا به بررسی نقش علمای استان مرکزی در این واقعه تاریخی ایران زمین می‌پردازد و کنش روحانیان را در وقایع سیاسی و به‌طور اخص وقایع مشروطه می‌توان به گروه‌های زیر تقسیم کرد:

- ۱- نظریه‌پردازان سیاسی مانند میرزای نائینی؛
- ۲- چهره‌های سیاسی برجسته و فعال در مسائل سیاسی همچون سید عبدا... بهبهانی، سید محمد طباطبایی، شیخ فضل‌الله نوری و همراهان آنان.
- ۳- روحانیانی که بی‌طرف بوده‌اند و هیچ‌گونه دخالتی نداشتند؛
- ۴- روحانیانی که با آن واقعه سیاسی مخالف بودند و کارشکنی می‌کردند؛



این نوشتار ضمن ارائه گزارشی توصیفی-تحلیلی از علمای بنام در این مقطع از تاریخ ایران زمین (۱۳۳۲-۱۳۲۲ق) نقش آنان را در انقلاب مشروطه بررسی می‌کند و سپس با توجه به اهداف مقاله، آنها را در هنگام نتیجه‌گیری در دسته‌بندیهای ذکر شده قرار می‌دهد.

اهداف

با توجه به عنوان مقاله هدف کلی مشخص شده است ولی می‌توان اهداف خردتر آن را این‌گونه بیان نمود:

- ۱- تعیین نقش علمای استان مرکزی (اراک) در مرحله نفی انقلاب (یعنی مرحله واژگون‌سازی رژیم موجود) با توجه به دسته‌بندی زیر:
الف- موافق مشروطه؛ ب- موافق استبداد؛ ج- بی‌طرف؛
- ۲- تعیین نقش علمای استان مرکزی (اراک) در مرحله اثبات انقلاب (یعنی مرحله تثبیت و به ثمر رسیدن آن) که در دو بخش بررسی می‌شود:
الف- بعد از صدور فرمان مشروطیت؛ ب- بعد از به توپ بستن مجلس؛
- ۳- تعیین خاستگاه مشروطه‌خواهی در استان مرکزی (اراک) با توجه به دسته‌بندی زیر:
الف- مشروطه‌خواهی فقط جنبه تقلید از تهران را داشت؛
ب- مشروطه‌خواهی به علت اختلافات محلی و دودستگی‌ای به وجود آمد که از دیر زمانی میان مردم بود.
ج- مشروطه‌خواهی به علت وجود هسته‌ای حقیقی و آزادی‌خواه بود.

روش تحقیق

به بیان دورکیم موضوع تحقیق روش را مشخص می‌کند. به عبارتی روش مسبق به موضوع است.^۱ از طرفی به بیان ریمون بودن در مواردی که جامعه‌شناسی می‌خواهد پدیده منحصر به فردی را تحلیل کند روشهای کمی متفی است و کاربرد ندارد و برای بررسی پدیده‌های منحصر به فرد روشهای کیفی کاربرد دارد.^۲



در اینجا چون موضوع مقاله پدیده‌ای تاریخی است و موضوعات تاریخی منحصر به فرد هستند از این رو، می‌توان از روش کیفی سود جست. همچنین با توجه به ماهیت موضوع یعنی تاریخی بودن آن و نوع روش مطالعه آن، نوع داده‌های تحقیق نیز داده‌های کیفی هستند و داده‌ها اکثراً از نوع داده‌های دسته دوم محسوب می‌شود.

نحوه مشاهده (جمع‌آوری اطلاعات)

به کار بستن یک روش تاریخی جدید، متکی به داده‌ها و منابع مادی عینی (اسناد، گزارشها، روزنامه‌ها و مذاکرات مجلس) استوار شده است. در این مقاله با مراجعه به کتابخانه‌ها و انتخاب اسناد و مدارک تاریخی از کتابهای توصیفی و تحلیلی، تاریخی استفاده شده است. (کتابخانه‌ای)

مروری توصیفی و تحلیلی بر نقش حاج آقا محسن عراقی (اراکي) در انقلاب مشروطیت (۱۳۲۵-۱۳۲۷ق)

حاج آقا محسن عراقی از شخصیت‌های بسیار معروف و مشهور مذهبی و تاریخی است که از دو طبقه روحانیت و بزرگ مالکان اراک بوده است. وی فرزند سید ابوالقاسم و متولد ۱۳۲۷ق است. مرحوم حاج آقا محسن، تحصیلات ابتدایی را تا مقدمات فقه و اصول در شهر عراق، خدمت پدر و جدش حاج سید احمد فرا گرفت، سپس در بروجرد در حوزه درس مرحوم آیت‌... حاج سید شفیع، مجتهد جابلقی و آیت‌... حاج ملاصدرا بروجردی به ادامه تحصیل پرداخت. اجازه اجتهاد ایشان را مرحوم حاج سید شفیع صادر کرد و همان‌طور که در *اعیان الشیعه* جلد نهم آمده است مرحوم حاج آقا محسن، تفسیر را نزد سید جعفر کشفی، اصول را نزد شیخ احمد، صاحب *مصابیح فی الاصول* تلمذ نمود و نیز از حوزه درس مرحوم سید محمدتقی صاحب *حاشیة المعالم* استفاده کرد. شخصیت و اثر وجودی حاج آقا محسن عراقی از سه دیدگاه قابل تجزیه و تحلیل است:

۱) شخصیت علمی و روحانی ایشان را به حد کافی علمای مذهبی تحلیل و بررسی و او را از مجتهدان بزرگ قرن چهاردهم محسوب کرده‌اند به طوری که اکثر این نظریات را می‌توان در کتاب *آیات سرمد* به صورت مستند مورد مطالعه و بررسی قرار داد.^۳



۲) شخصیت ایشان از بعد سیاسی - اجتماعی؛

۳) شخصیت نامبرده از خاستگاه زمینداری و بزرگ مالکان؛

نویسنده این مقاله فقط در نظر دارد به نقش سیاسی ایشان آن‌هم در برهه زمانی انقلاب مشروطه بپردازد؛ زیرا در هفتاد سال گذشته در کتابهای مختلف تاریخ مشروطیت و سفرنامه‌های متعدد، شخصیت سیاسی ایشان گاه همراه با بدبینی، اظهار نظر شده است به طوری که آقای علی‌اکبر خاکباز (یکی از نوادگان فرزند دهم ذکور ایشان آقای حسین خاکباز) در کتاب *خاندان محسنی اراک* به برخی از کتب و اسناد اشاره کرده است و تلاش نموده که نظریات منفی، درباره شخصیت حاج آقا محسن به‌ویژه مخالفت وی را با انقلاب مشروطیت رد نماید. به اعتقاد اینجانب این بررسی نارسا و ناکافی است. لذا نگارنده بر آن شد تا آنچه را در این باب نوشته و گفته‌اند با کمال بی‌طرفی با تحقیق و مطالعه و با اتکاء به حقایق و دسترسی به مدارک، تجزیه و تحلیل نماید و در حد توان خود نظریات را مقایسه‌ای تطبیقی کند. هرچند که این پایان کار نیست و باید گفت گوناگونی، تفاوت و حتی تضاد در تحلیلها و روایتهای تاریخی مهم‌ترین عامل در پویا و غنی‌تر شدن پژوهشهای تاریخی است و از لحاظ منطقی، بازسازی و بازنویسی یک مرحله تاریخی از جمله تاریخ سیاسی، نقطه کمال و پایانی ندارد و هیچ مورخی نمی‌تواند پرونده یک دوره تاریخی را به بایگانی بسپارد چه رسد به یک مقاله پژوهشی که این‌گونه ارائه شده است. یکی از وقایعی که مورخان با توجه به نحوه حضور حاج آقا محسن عراقی به تعیین نقش ایشان در مرحله اول انقلاب یعنی مرحله نفی وضع موجود و واژگون کردن حاکمیت استناد و سپس درباره نقش او حکم صادر کرده‌اند واقعه مسجد (شاه) جامع و تحصن علما در آنجا است.^۴

۱- مرحوم ناظم‌الاسلام کرمانی در کتاب *تاریخ بیداری ایران* (به زعم اکثر مورخان مهم‌ترین امتیاز این کتاب، اخبار و اطلاعات دست اولی است که از مذاکرات و گفتگوهای سیاسی رهبران مشروطه تهران، به‌ویژه سید محمد طباطبایی، به دست می‌دهد) درباره این واقعه چنین می‌گوید:

«عصر امروز حاج آقا محسن عراقی آمد برای اصلاح، کاری نکرد رفت مجدداً شب را از طرف عین‌الدوله آمد که آقایان را ببرد نزد عین‌الدوله، آقای طباطبایی دید که بعضی مایل خواهند شد فلذا با تغییر و سختی رو کرد به حاج آقا محسن و فرمود: سید تو را چه کار که در کار ما دخالت

می‌کنی همان ظلمها و کارهایی که در عراق کردی تو را کافی نیست که آمده خدمت برای عین‌الدوله کنی. صدراعظم در نزد تو اهمیت دارد و به‌نظر تو داخل آدم هست، علمای مرکز از این‌گونه صدور بسیار دیده‌اند، حدّ خود را نگاه دار. باری حاج آقا محسن مجتهد عراق با حال یاس مراجعت نمود.^۵

۲- همین واقعه در کتاب *تعارض در انقلاب مشروطه* در ذیل عنوان «تحصن در مسجد (شاه) جمعه تهران و برخورد با نماینده عین‌الدوله» به‌گونه‌ای دیگر بیان می‌شود:

«... به دنبال شهادت طلبه جوانی به نام سید عبدالحمید ... علمای تهران از جمله شیخ فضل‌ا... نوری به علامت اعتراض در مسجد متحصن شدند ... در این هنگام، دستگاه قدرت حاکم جهت جلوگیری از توسعه دامنه شورش و خاموش کردن قیام به واسطه بازی روی آوردند و حاجی آقا محسن عراقی از جانب عین‌الدوله مستبد به مسجد شاه آمد تا شاید علماء را با تهدید وادار به عقب‌نشینی کند. آیا توانست به هدفش برسد؟ آیا فکر می‌کرد علماء با تهدید عقب‌نشینی خواهند نمود؟ مسلماً براساس چنین برداشتی وارد عمل شد زمانی که با پاسخ شدید اللحن شیخ فضل‌ا... مواجه شد عقب‌نشینی نمود». در این‌باره مرتضی فرهنگ (ترجمان الممالک) چنین می‌نویسد:

«... یک روز که حاجی آقا محسن عراقی از طرف عین‌الدوله به مسجد جمعه آمد و رسالتش را ابلاغ کرد مبنی بر اینکه بهتر است آقایان علماء را محرمانه متفرق کنم، حاجی شیخ فضل‌ا... که در مسجد حضور داشت گفت: آیا این حرفها از دهان عین‌الدوله خارج شده است؟ حاجی آقا محسن که خلقش تنگ شده بود با تغییر گفت: یعنی من دروغ می‌گویم؟ آخوند، حاج شیخ فضل‌ا... مجدداً اظهار کرد: کسی که حیات و مماتش (عین‌الدوله) زیر قلم ماست چگونه جرئت می‌کند چنین جملاتی را به زبان بیاورد. به او بگو ما از تو واهمه‌ای نداریم و عن قریب تکلیف را روشن می‌کنیم.^۶

۳- مرحوم کسروی هم در کتاب خود در ذیل عنوان «داستان آدینه» بیان می‌کند:

«امروز عین‌الدوله با یک دسته سواره در پیرامون خود، همراه امیربهادر و نصرالسلطنه از نیاوران به شهر آمد، می‌خواست از چگونگی نیت آگاه گردد ... او کسی را به مسجد فرستاد و به علماء پیام داد: شما بروید به خانه‌های خود تا ما درخواست شما را به کار بندیم. آنان دلیرانه پاسخ



دادند: مقصود ما تأسیس مجلس عدل است که پس از این کسی ظلم و تعدی نکند...^۷ که به نظر تحلیل‌گران در اینجا نیز استناد به حضور حاج آقا محسن است.

۴- آقا علی‌اکبر خاکباز در کتاب خود تحت عنوان *خاندان محسنی اراکی* حضور ایشان را در مسجد جامع به‌عنوان نماینده دولت و ابلاغ نظر دولتیان را به متخصصان و جواب منفی آنها به حاج آقا محسن را تأیید می‌کند و این واقعه را چنین تحلیل می‌کند:

«... شخصیت مرحوم آقای حاج آقا محسن به‌حدی بارز و عالی بوده که درباریان قاتل (قاتل سید عبدالحمید و فسی) را هم به معیت معظم له به مسجد (جامع) به میان جمعیت برافروخته و عصبانی فرستاده‌اند چون یقین داشته‌اند با بودن مرحوم آقای حاجی آقا محسن و احترام به ایشان عمل حادی درباره قاتل نخواهد شد و با این عمل می‌خواستند از عصبانیت و ناراحتی مردم بکاهند. مرحوم آقای حاج آقا محسن عین پیام دربار را به آقایان علماء و حاضران در مجلس اعلام می‌دارد: «... گرچه معظم له دارای روابط بسیار نامطلوب با مظفرالدین‌شاه بوده، ولی بزرگی و آقایی ایشان ایجاب می‌کرده که وقتی دولتمردان به ایشان متوسل شده‌اند حامل پیام گردد و نزد آقایان علماء رفته و درخواست دولتیان را بر ایشان اعلام دارد».^۸

از دلایل دیگری که نقش ایشان را در انقلاب مشروطیت در نفی حاکمیت موجود فعال و مثبت می‌داند کمک مالی ایشان به متحصنان است.

۱- آقای علی‌اکبر خاکباز بیان می‌کند: «... در زمانی که مشروطه‌خواهان در حرم حضرت عبدالعظیم متحصن بودند ... آقایان علمای اعلام طباطبایی و بهبهانی ... پیغام به معظم له دادند که مشروطه‌خواهان متحصن از نظر مالی در مضیقه هستند ... و برای اینکه بتوان این تجمع و تحسن را حفظ نمود احتیاج به وجه است مرحوم آقای حاجی آقا محسن مبلغ شش هزار تومان برای ایشان ارسال کردند».^۹

وی در تأیید این موضوع استناد می‌کند به گفتگویی که بین آقای تقی‌زاده با پدر خود (آقای حسین خاکباز که در دوره چهاردهم سمت نمایندگی مجلس را داشته‌اند و آقای تقی‌زاده هم پس از مدتها به ایران مراجعت نموده بودند) صورت گرفته است و سپس این مطالب را نفر سوم یعنی مرحوم آقای سید محمد صادق طباطبایی (رئیس مجلس در دوره چهاردهم و فرزند مرحوم

آیت... سید محمد طباطبایی)، که خود حاضر و ناظر در انقلاب مشروطیت بوده‌اند تأیید کرده‌اند».^{۱۰}

۲- در کتاب *انقلاب مشروطیت ایران* دکتر محمد اسماعیل رضوانی دربارهٔ کمکهای مالی در این واقعه چنین بیان می‌کند:

«... مخارج مهاجران از سه ناحیه تأمین می‌شد نخست از ناحیهٔ طرفداران میرزا علی اصغرخان اتابک (صدراعظم معزول) حدود سی هزار تومان؛ دوم از ناحیهٔ بازاریان، اینان از ترس عین‌الدوله در مهاجرت شرکت نکرده بودند و در عوض مخارج بست‌نشینان را محرمانه می‌پرداختند؛ سوم از ناحیهٔ سالارالدوله پسر مظفرالدین‌شاه، که وی پول را به وسیلهٔ مرحوم ملک‌المتکلمین به مهاجران می‌رساند (۵۸ هزار تومان)».^{۱۱}

۳- این امر را مهدی انصاری در کتاب *شیخ فضل... نوری و مشروطیت* به این طریق بیان می‌کند^{۱۲} که مبلغ میرزا علی اصغر اتابک به حاج محمدتقی بنکدار و برادرش حاج محمدحسن به متخصصان انتقال یافت.

۴- همچنین در کتاب *تاریخ بیداری ایرانیان* این واقعه چنین بیان شده است: «... (پروفسور براون در تاریخ خود می‌نویسد در مدت تحصن مردم در شاه عبدالعظیم «ع» میرزا علی اصغرخان، صدراعظم قدیم، سی هزار تومان به آنها داد) لکن آنچه نگارنده دیده و دانسته است این است که مخارج ناهار و شام و ضروریات یومیه از قبیل قلیان و سیگار و چپق و چای با تجار بود که نزد این دو برادر (حاج محمدتقی و حاج حسن بنکدار) جمع می‌شد و آنها هم خرج می‌کردند و آنچه از خارج می‌رسید اگر جزوی بود باز جمع بر دو وکیل خرج می‌شد و هرگاه کلی بود بین آقایان تقسیم می‌شد. چنانچه پول سالارالدوله را که به توسط حاج ملک‌المتکلمین تقسیم شد چهارصد تومان به آقایان طباطبایی رسید و نیز پول اعتصام‌السلطنه و رکن‌الدوله و امین‌السلطان و غیره هم بین آنها تقسیم شد بلی آقا شیخ عبدالرحیم نوهٔ صاحب فصولی مدعی بود که من در این مدت از احدی پول نگرفتم جزء شصت تومانی که از طرف طباطبایی برای مخارج داده شده بود».^{۱۳}



نگارنده طی تحقیق در هیچ کدام از منابع مورد مطالعه سندی دال بر اینکه ایشان کمک مالی به متخصصان کرده‌اند نیافت، جزء در کتاب آیات سرمد که مؤلف محترم نیز به نقل قول از کتاب آقای علی اکبر خاکباز این مطلب را بیان کرده‌اند.

همچنین آقای علی اکبر خاکباز در تأیید مشروطه خواهی حاج آقا محسن عراقی به نامه‌ای استناد می‌کند که از طرف سید جمال‌الدین اسدآبادی به علمای ایران نوشته شده است: «... سید جمال‌الدین اسدآبادی نامه‌ای مفصل در مورد وضعیت آن روز ایران نوشته و برای ده نفر از بزرگ‌ترین مراجع و شخصیتها این نامه را ارسال داشته، یکی از ده نفری که سید جمال‌الدین مکتوب خود را برای او ارسال داشته است مرحوم آقای حاجی آقا محسن بوده است، چنانچه خوانندگان مستحضر هستند سید جمال‌الدین به‌عنوان مخالف با زورگویی و استبداد و سلطه انگلیسها قیام نموده و چون می‌دانستند و اطلاع داشتند که یکی از افرادی که در مقابل زورگویی و استبداد و سلطه بیگانگان ایستادگی می‌نماید مرحوم آقای حاجی آقا محسن است لهذا مکتوب خود را برای ایشان ارسال داشته است».^{۱۴}

واقعه دیگری که مورخان و تحلیل‌گران به استناد آن به تعیین نقش حاج آقا محسن در مرحله دوم انقلاب یعنی مرحله اثبات و تثبیت نظام سیاسی جدید می‌پردازند و وی را فردی مخالف مشروطیت می‌دانند وصول تلگرافهایی است از نمایندگان مجلس از اهالی قریه ابراهیم‌آباد عراق و علاوه بر آن، حضور عده‌ای در حیاط بهارستان هنگام تشکیل مجلس اول که به دادخواهی از حاج آقا محسن تجمع کرده بودند.

۱- این واقعه را آقای کسروی چنین اظهار می‌کنند:

«... در نشست روز سه‌شنبه نهم اردیبهشت ۱۲۸۶ (۱۶ ربیع‌الاول ۱۳۲۵) تلگراف زندهای ابراهیم‌آباد خوانده شد که از قم فرستاده و در آن چنین می‌گفتند: چهارده تن از کسان ایشان به‌فرموده حاج آقا محسن کشته شده است و هفده تن زخمی گردیده و نزدیک به مرگ هستند و گروهی را نیز گرفته بند کرده‌اند ... روز سه‌شنبه ۱۶ اردیبهشت (۲۳ ربیع‌الاول) که روز مجلس بود در حیاط بهارستان هنگامه‌ای برپا گردید، شیرازیان که به دادخواهی از میرزا ممالک در آنجا بست نشستند امروز دسته‌هایی از انجمنهای دیگر را هم به یاری خود خواندند. نیز ستمدیدگان قم و عراق که از

دست متولی باشی و حاج آقا محسن به دادخواهی آمده بودند، به آنان پیوستند^{۱۵} ... در همان روزها، گله و ناله از حاجی آقا محسن فزون‌تر گردیده بود. در نشست چهاردهم تیر (۲۴ جمادی‌الاول)، تلگرافی از عراق، در مجلس خوانده‌شده، بدینسان: «صمصام‌الممالک که مأمور حرکت دادن حاجی آقا محسن بود (چون رأی مجلس بر نفی بلد ایشان قرار گرفت) وارد شهر شد. پیش از آنکه از طرف صمصام‌الممالک اقدام شود حاجی آقا محسن اشرار را فرستاد دکاکین را بستند دیشب جمعی در پشت‌بام بازارها و غیره مشغول شلیک بودند، امنیت سلب زودتر علاج نمایند» انجمن محلی عراق.^{۱۶}

۲- همچنین در کتاب *تاریخ سیاسی- اجتماعی خمین مؤلف (استناد به کتاب مذاکرات مجلس دوره اول تقنینیه مجلس شورای ملی با مقدمه سعید نفیسی، صفحه ۳۲۴)* بیان می‌کند^{۱۷} که از جمله گرفتاری‌های مجلس اول شکایت‌های متعدد مردم از اعمال استبدادی و بیدادگریهای حاج آقا محسن عراقی است.

۳- مرحوم ابراهیم دهگان از نویسندگان معاصر، که خود در اراک ساکن بوده‌اند، در اثر خود به نام *کارنامه یا تاریخ اراک* در ذکر این واقعه بیان می‌کنند^{۱۸}: «... در سال دوم حکومت فخرالملک (در اراک) طلبعه مشروطه‌خواهی تا به عراق هم رسید حاج آقا محسن که شش تا هفت سال به‌عنوان تبعید در تهران به‌سر می‌برد گویا بدون اجازه، خودسرانه راه عراق گرفتند عشر آخر جمادی‌الثانیه وارد عراق شدند کارچاق‌کنهای مخالف به دست و پا افتاده و سروصدا بلند شد. در این تاریخ انجمنهای متعددی تأسیس شده بود و مخالفان آقا در بین اعضای انجمن رخنه کرده بودند و ندای خود را از گلوی آنها بلند می‌کردند تا در نتیجه آقا فرستادند در انجمنها را بست، سطح خصومت بالا گرفت چریکهای آقا از یک طرف قوای نیمچه دولتی چون دارودسته عمو کریم‌خان بیات به مأموریت صمصام‌الملک از راه رسیدن محمدعلی‌خان صمصام‌الممالک در شهر و تقویت نیرو به مقاومت از طرف علی‌خان ابراهیم‌آبادی کار را بر عراقیان مشکل می‌کرد شرح این داستان در کتب وابسته به مشروطیت ... وجود دارد.

۴- در دفاع از این واقعه آقای علی‌اکبر خاکباز بیان می‌کند: «... اصل این داستان این بود که بین عده‌ای از زارعان ابراهیم‌آباد به زعامت علی‌خان صمصام رئیس قره‌سواران آن منطقه (از معاندان



مرحوم حاج آقا محسن) و کشاورزان قریه امیرآباد متعلق به شاهزاده خانم انوارالسلطنه صبیّه شاهزاده ناصرالدوله که متصدی ده، کریم‌خان پیشکار خانم انوارالسلطنه نزاعی درمی‌گیرد و از طرفین دعوی سه چهار نفر مقتول می‌شوند و پرونده به عدلیه آن زمان ارجاع می‌گردد که این قضیه هیچ‌گونه ارتباطی با حاج آقا محسن یا بستگان نداشته است. چرا سفارت انگلیس (اشاره به نامه سفارت انگلیس به وزارت امور خارجه که در تاریخ ۱۳۲۵/۲/۴ قمری نوشته شده) این قضیه را به ایشان نسبت داده و با این دستاویز تقاضای نفی بلد معظم له را از دولت نموده است، فقط برای این بوده که کمپانی زیگلر انگلیس بتواند کشاورزان آن ناحیه را بهتر بچاپد و سود بیشتر تحصیل کند و اصولاً دخالت وزیر مختار انگلیس در نفی بلد معظم له یا هر ایرانی دیگر چه صورت و مجوزی داشته است در نامه وزیر مختار انگلیس صراحتاً بیان و اذعان شده است که به خاطر منافع اتباع انگلیس بایستی حاجی آقا محسن از سلطان‌آباد عراق نفی بلد و تبعید شود. همین امر نشانه‌ای است از حمایت جدی مرحوم آقای حاجی آقا محسن از قالیبافان که تمام آنها از خانواده کشاورزان و زارعان بوده‌اند در مقابل اتباع انگلیس^{۱۹} بوده است.

اما درباب مشروعه‌خواهی ایشان (منظور نقش حاج آقا محسن بعد از فرمان مشروطیت) این نیز تعیین نقشی است که مورخان با توجه به بعضی وقایع به او نسبت داده‌اند از جمله: مجله یاد از انتشارات سازمان مدارک و اسناد انقلاب اسلامی در شماره ۱۷، ص ۱۲۹ در ارتباط با تحلیل نقش حاج شیخ عبدالکریم حائری در مشروطه جایگاه حاج آقا محسن را نیز بیان می‌کند: «... از طرف دیگر، باید این میان شخصیت ویژه مرحوم حاج آقا محسن عراقی را که حامی اصلی و عمده او (حاج عبدالکریم حائری) در ایران بود نیز شناخت تا بتوان قضاوت بهتری در قضیه کرد. از آنجا که حاج آقا محسن عراقی نیز مانند حاج شیخ فضل‌ا... نوری ابتدا از سران مشروطه بود و سپس به انحراف آن پی برد و مشروعه‌خواه شده بود لذا همه مورخان یاد شده او را به باد تهمت، افترا و انتقام گرفته‌اند.^{۲۰}



تحلیل نظرات فوق

با توجه به آنچه گذشت به عقیده راقم سطور اگر ایشان (حاج آقا محسن) را در دسته روحانیان بی طرف قرار دهیم شاید صحیح تر باشد. به عبارتی توجیه عملکرد و مواضع ایشان در برخورد با حوادث سیاسی ذکر شده در واقع صورتی بی طرفانه داشته است؛ زیرا مداخله او در این حوادث همیشه جنبه توصیه‌ای و وساطت داشته است (واسطه عین‌الدوله با روحانیان در هنگام تحصن در مسجد جامع)، (تقاضای مالی علمای متحصن از ایشان) و نمی‌توان با تکیه بر این مواضع از او یک چهره سیاسی یا مبارز سیاسی یا برعکس ساخت و در تحلیل این مسئله باید گفت وساطت و دخالت ایشان به خصوصیات و ویژگیهای شخصیتی ایشان در دو بعد روحانی بودن و مالک و متنفذ بودن ایشان متبلور می‌شود و از آنجا که وی روحانی بود و بخصوص سرشناس حوزه‌های علمی با تمام ویژگیهای علمی بارز، که در کتب مختلف ذکر شده، خود عاملی برای وساطت ایشان با روحانیان درگیر با مشروطیت است و وساطت ایشان در واقع نوعی وساطت صنفی بوده است نه عقیده‌ای و سیاسی، و حتی با فرض پذیرفتن کمک مالی کردن به متحصنان این هم جزء ویژگیهای روحانی ایشان است و همچنین بودن نام ایشان در نامه‌ای که سید جمال‌الدین حسینی به علمای ایران می‌نویسند نیز مربوط به همین بُعد از شخصیت ایشان است.

در ارتباط با قضیه تلگرافهای ارسالی به مجلس اول و تحصن در بهارستان به دادخواهی از ایشان، که مخالفان دلیلی بر ضد مشروطه بودن وی تلقی می‌کنند بایستی آن را نه از بعد سیاسی بلکه از ویژگی دیگری از شخصیت او که همان مالک بودن است تحلیل نمود به نظر می‌رسد که این درگیری از نوع مالک و زارع بوده است نه سیاسی، چنان‌که نگارنده در هنگام مطالعه و تحقیق در هیچ‌کدام از منابع، که شرحی از این واقعه را ذکر نموده‌اند، اشاره به اینکه در ابراهیم‌آباد عراق با مشروطه‌خواهان یا طرفداران مشروطه درگیر شده مدرکی ارائه نشده است ولی در موردی مشابه یعنی قضیه میرزاالممالک شیرازی که از وی نیز همزمان به مجلس اول شکایت شده است در تمام منابع هنگام اشاره به وقایع مجلس اول این دو واقعه در کنار هم مطرح می‌شود. در کتاب تاریخ مشروطیت نوشته آقای ملک‌زاده شرح واقعه میرزاالممالک شیرازی عنوان می‌شود:



«... سید عبدالحسین لاری که یکی از سران مشروطه‌خواه فارس بود با جمعی مشروطه‌طلب برای یاری مشروطه‌طلبان به شیراز آمدند و جنگ در میان مشروطه‌خواهان به سردستگی سید عبدالحسین لاری و مستبدان به سردستگی قوام‌الملک درگرفت و عده زیادی کشته و مجروح گشتند و هزارها نفر از ترس جان به شاهچراغ پناهنده شدند و جمعی از فارسهای مقیم تهران در مجلس متحصن شدند. رفع شر قوام‌الملک را از مجلس استدعا کردند، سرکشی قوام‌الملک، مشروطه‌خواهان تهران و مجلس را متأثر و خشمگین ساخت و تبعید او را از دولت تقاضا کردند.^{۲۱}»

اینکه ایشان از جنبه مالک و زارع چگونه شخصیتی داشته‌اند و عملکردش او را در کدام دسته از مالکان قرار می‌دهد در بعد شخصیت اجتماعی وی می‌گنجد که از بحث این مقاله خارج است، در نتیجه، در قضیه مشروطیت نه به دفاع از مشروطه‌خواهان پرداخت و نه به دفاع از مشروطه‌خواهان (چون در زمان حیات ایشان موضوع مشروطه و مشروعه‌خواهی به‌طور جدی مطرح نبوده) و نه بر ضد مشروطه، بلکه عملکرد ایشان در این واقعه (انقلاب مشروطیت) به ویژگیهای شخصیتی وی از بعد مالکیت مربوط بوده است؛ زیرا ایشان از متنفذان منطقه بودند و در مقابل هر نوع قدرتمندی و اعمال نفوذ چه سیاسی (فرمانروایی که از طرف دولت برای این منطقه منسوب می‌شدند) و چه اقتصادی و مالی (مانند کمپانی زیگلر) به‌شدت برخورد می‌کردند. ولی در نهایت از آنجا که مرحوم آقا محسن از علما و زمینداران بزرگ هستند قضاوت نهایی بسیار دشوار است و برای باز نگه داشتن پرونده این واقعه تاریخی به قسمتی از خاطرات آیت‌الله... پسندیده درباره شخصیت وی اشاره می‌شود:

«... اهالی شه‌کوبه (رباط مراد) ده بزرگ خمین می‌روند به قم که از حشمت‌الدوله به صدراعظم اتابک شکایت کنند از مقام بالا امر می‌کنند که حشمت‌الدوله در عراق نزد مرحوم حاج آقا محسن مجتهد و مالک غریب و عجیب عراق به مرافعه بروند یا حشمت‌الدوله از تجاوز به اهالی صرف نظر کند- تعجب است وقتی چیزی می‌نویسم، مطالبی در ذهنم خطور می‌کند مرحوم حاج آقا محسن در اصفهان ... با مرحوم حاج میرمحمد صادق خاتون‌آبادی افقه و اعلم علما هم‌مباحثه بوده‌اند- شبی مرحوم حاج آقا محسن خواب می‌بیند تا گلوی خودش به خاک فرو رفته



با اضطراب و نگرانی به مرحوم حاج میرمحمد صادق خاتون‌آبادی، خوابش را می‌گوید ایشان می‌گوید تعبیرش این است که شما مالک املاک زیاد خواهید شد و این طور هم شد.^{۲۲}

مروری توصیفی و تحلیلی بر نقش حاج آقا نورالدین عراقی در انقلاب مشروطیت

مرحوم آقانورالدین در سال ۱۲۷۸ در بلدهٔ عراق پا به عالم نهاد وی تحصیلات ابتدایی را در مدرسهٔ سپهدار گذراند و در سال ۱۳۰۳ق برای تکمیل معلومات عالی به نجف اشرف مهاجرت کرد و در محضر استادان بزرگ چون میرزا حبیب... رشتی؛ آیت... خراسانی و حاج میرزا حسین، حاج میرزا خلیل بهرهٔ کافی برد و درجهٔ اجتهاد خود را از آقایان دریافت کرد و در سال ۱۳۰۷ به اراک مراجعه نمود و تا پایان عمر آنجا ماند، فوت آقا در ۷ رجب ۱۳۴۱ اتفاق افتاد. وی در منزل شخصی خود دفن شده است و مدفن این فقیه سعید زیارتگاه خاص و عام مردم اراک است. ایشان از لحاظ اجتماعی و سیاسی جایگاهی بسیار والا داشتند که در این قسمت فقط به شخصیت سیاسی ایشان اشاره می‌شود. در کتاب *تاریخ اجتماعی اراک* در این مورد این گونه بیان شده است: «... پس از تنظیم قانون اساسی مشروطه و تعیین وظایف انجمنهای ایالتی و ولایتی - اصول ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳) - طرفداران مشروطه در شهرستانها اقدام به تأسیس انجمن ایالتی و ولایتی کردند، آقانور (حاج آقا نورالدین) مجتهد جامع‌الشرایط وقت، که یکی از مشروطه‌خواهان بنام بود، اولین انجمن ولایتی را در عراق (سلطان‌آباد) تأسیس کرد و خود ریاست آن را به عهده گرفت و پنج نفر اعضای آن بودند».^{۲۳}

همچنین در *فصلنامهٔ تحقیقات فرهنگی - هنری استان مرکزی می‌خوانیم*: «... وقتی که علم مشروطیت بر فراز کاخ گلستان به اهتزاز درآمد در عراق نیز انجمن ایالتی و ولایتی تأسیس شد که ریاست آن با مرحوم آقا نورالدین بود و همراه سایر اعضا به کارهای مربوط رسیدگی می‌کردند ... تا زمانی که مجلس به توپ بسته شد و انجمنها هم تعطیل شد ... از خوشبختی احرار عراق می‌توان یکی را آن دانست که مرحوم آقا نورالدین بزرگ‌تر مجتهدهای محل به پیروی از استاد عالیقدر خود آیت... خراسانی طرفدار احرار و طالب حکومت دموکراسی می‌بودند، با بودن آن



مرحوم در صف مشروطه‌خواهان این دسته از تعرض دیگران مصون و سر و صدای محل عراق از دیگر شهرستانها کمتر بود.^{۲۴}

در واقعه دیگر نقش این علمای بزرگ در حفظ و تثبیت نظام مشروطیت چنین بیان می‌شود: «... زمانی که آتش جنگ بین الملل اول شعله‌ور گردید دولت ایران بی‌طرفی کامل خود را به اطلاع دولتهای بزرگ جهان رسانید اما بر اثر تحولاتی که روی داد و دولت عثمانی همدوش دولتهای روس و انگلیس رنج کشیده بود، این جنگ را به فال نیک گرفته و آماده همکاری با دولتهای آلمان و عثمانی، علیه روس و انگلیس شد تا سایه آن دو دولت قدرتمند را از سر خود کوتاه کند. رضاقلی خان نظام‌السلطنه - که رجلی خوشنام و آزادیخواه و از هواداران مشروطه بود - آمادگی خود را جهت همکاری با دولتهای آلمان و عثمانی به اطلاع مردم رساند. این خبر مسرت‌بخش تحرکی در مردم ایجاد کرد و جوانان وطن‌پرست از اطراف و اکناف مملکت به یاری‌اش برخاستند و در کرمانشاه به اردوی او پیوستند. در این موقع آقایان محمدرضا مساوات، دهخدا، استرآبادی، دهخوارقانی، صوراسرافیل و سلیمان‌خان از تهران به اراک آمدند و برای فتوا گرفتن جهت جهاد به نفع آلمان و عثمانی خدمت آقانورالدین رسیدند. آقانورالدین فتوای جهاد داد و با عده‌ای که سران آنها عبارت بودند از حاج علی آقا فراهانچی، غلامرضا فرخی و رحمان مکی روز بیستم محرم ۱۳۳۴ قمری برای جهاد از اراک به سمت کرمانشاه حرکت کردند.^{۲۵} گروه کثیری از مردم به‌ویژه جوانان که تعدادشان بیش از دویست نفر بود ندای حاج‌آقا نورالدین را لبیک گفتند و آماده جانبازی و شهادت شدند.

مروری توصیفی و تحلیلی بر نقش حاج‌آقا سید احمد حجتی امامی (محسنی) در انقلاب مشروطیت

حاج‌آقا سید احمد حجتی امامی (محسنی) اکبر اولاد ذکور مرحوم حاج‌آقا محسن در ۱۲۸۰ق متولد و در سال ۱۳۵۷ق فوت کرد.

مرحوم آقای حاج سید احمد در نجف اشرف به تحصیل علوم فقه و اصول معقول و منقول پرداخت و در محضر استادان آن عصر مانند مرحوم آیت‌... العظمی آخوند ملاکاظم خراسانی و



مرحوم آیت... العظمی شریبانی تلمذ نمود و دارای اجازهٔ اجتهاد از آقایان مذکور بود. وی پس از مراجعت به ایران اکثر اوقات در تهران توقف داشت و از علمای سرشناس زمان خود در تهران بوده است و بنا به درخواست اهالی محل سکونت ایشان ... در مسجدی در ناحیهٔ جنوبی خیابان امیرکبیر فعلی معروف به محلهٔ عربها، نماز می‌گذارد.

استاد دهگان در کتاب *تاریخ اراک* دربارهٔ ایشان بیان می‌کند: «... پسران مرحوم حاج آقا محسن ده نفر بودند که حاج سید احمد پسر بزرگ آقا در این هنگام (۲۵ جمادی سال ۱۳۲۰) در تهران و جزء مهاجران به حضرت عبدالعظیم به همراهی مرحوم آقا شیخ فضل... سنگ مشروطهٔ مشروعه را به سینه می‌زد».^{۲۶}

مجلهٔ یاد از انتشارات سازمان مدارک و اسناد انقلاب اسلامی در شمارهٔ ۱۷، ص ۱۳۱ دربارهٔ تحلیل نقش حاج شیخ عبدالکریم حائری در مشروطه، هنگام استناد به اینکه چرا حاج شیخ عبدالکریم در واقعهٔ مشروطیت جزء مشروطه‌طلبان است بیان می‌کند: «... طبیعی است شیخ عبدالکریم که از شاگردان شیخ فضل... نوری بوده و بی‌اعتقاد به حرکت و نظام مشروطه و سران آن همیشه به دنبال جایی بوده است که از آنجا پایگاهی بر ضد جریان غرب‌گرایی و مشروطهٔ کذایی درست کند و کادرهای روحانی به‌وجود آورد که به سیاستهای اسلامی یا به اصطلاح مشروطه‌خواهی باور داشته باشند. رفاقت و آشنایی او در عتبات با پسر آقامحسن عراقی مشروطه‌خواه و پرنفوذ و ... زمینهٔ ایجاد چنین پایگاهی در سلطان‌آباد (اراک) را برای وی فراهم آورد.

نتیجه‌گیری کلی

بنابراین با توجه به اهداف این مقاله می‌توان مطالب ذکر شده را به صورت زیر خلاصه کرد:

- ۱- علمای استان مرکزی در مرحلهٔ نفی انقلاب یعنی مرحلهٔ واژگون‌سازی رژیم موجود نه موافق مشروطه و نه موافق استبداد، بلکه بی‌طرف عمل می‌کردند.
- ۲- علمای استان مرکزی در مرحلهٔ اثبات انقلاب یعنی مرحلهٔ تثبیت نظام تغییر یافته و به ثمر رسیدن آن در دو بخش زیر به گونه‌ای متفاوت عمل کردند:



الف) در بخش بعد از صدور فرمان مشروطیت، بعضی از آنان از جمله حاج آقا نورالدین عراقی در صف مشروطه‌خواهان قرار گرفت و به‌عنوان مسئول انجمن ولایتی در اراک اقدامات لازم را به‌عمل آورد و همچنین حاج آقا احمد حجتی امامی (اولاد اکبر حاج آقا محسن) در صف مشروطه‌خواهان و همراه شیخ فضل‌الله نوری بود.

ب) بعد از به‌توپ بستن مجلس واضح و روشن نقشی از آقایان مشاهده نشد، جز عنوان نمایندگی شهر در دوره‌های مختلف تا زمان جنگ جهانی اول که برای تثبیت رژیم مشروطه حاج آقا نورالدین فرمان جهاد را صادر نمود و همان‌گونه که ذکر شد عمل کردند.

اما خاستگاه مشروطه‌خواهی در استان مرکزی به صورت برجسته‌ای در منابع ذکر نشده است ولی با توجه به سابقه دیرینه شهر اراک که در کتاب *تاریخ اراک* (آقای ابراهیم دهگان) به آن اشاره شده است از دیرزمان دودستگی میان محله قلعه و حصار حتی قبل از اینکه شهر را یوسف‌خان گرجی تأسیس کند و بعد از اسکان مردم نیز همان روال قبل باقی ماند و شهر حالت دودستگی داشت. ولی در تعیین خاستگاه مشروطه‌خواهی در این استان بیشتر می‌توان گفت در بحث ملیون به تقلید از تهران انجام شده است. «... در بدو مشروطیت در عراق (اراک) همچون دیگر شهرستانها نهضت مشروطه‌خواهان جنب و جوشی در بین اهالی برپا نمود و مردم دسته دسته به تشکیل انجمنهای سری و غیرسری اقدام می‌نمودند نخستین انجمن که از همه حساس‌تر بود و تقریباً هسته مرکزی مشروطه‌خواهان را تشکیل می‌داد انجمن سری به‌نام آدمیت بود و سایر انجمنها عبارت‌اند از: انجمن دموکرات، انجمن تدین، انجمن آذربایجانیان، انجمن برادران و انجمن اعتدالیون.^{۲۷}»

انجمن آدمیت به ریاست مرحوم آقای اسدالله پروین؛ انجمن تدین در مدرسه سپهدار تشکیل می‌شد و رهبر آن مرحوم علی نخستین بود؛ انجمن دموکرات از انجمنهای حساس بود که رهبری آن با حاج میرزا عبدالعظیم و نیز آقای پروین بود؛

انجمن آذربایجان، اکثریت اعضای آن را آذربایجانیان مقیم عراق تشکیل می‌دادند و ریاست آن با میرزا حبیب‌الله عکاس‌باشی (طاهری) بود؛ انجمن برادران رهبر این انجمن دو نفر بودند میرزا



حسین خان حرآبادی و میرزا علی اکبرخان کمپانی؛ انجمن اعتدالیون ریاست آن را مجدالممالک داشت.

پی‌نوشت‌ها

۱. دورکیم، ۲۴-۲۳.
۲. بودن، ریمون، *منطق اجتماعی*، ۲۷ و ۹۶.
۳. نعیمی، داوود، *آیات سرمد*، ۱۰۵ به بعد.
۴. در این هنگام حاج آقا محسن را مظفرالدین شاه نفی بلد کرده و ساکن در تهران بودند (۱۳۲۴-۱۳۱۸).
۵. کرمانی، ناظم‌الاسلام، *تاریخ بیداری ایرانیان*، ص ۴۱۲.
۶. صالحی، روح...، *تعارض در انقلاب مشروطه*، ص ۶۸ نقل از ابراهیم فخرایی، *گیلان در جنبش مشروطیت*، چاپ سوم، تهران، با همکاری مؤسسه انتشارات فرانکلین، ۱۳۵۶، ص ۶۸.
۷. کسروی، احمد، *تاریخ مشروطیت ایران*، ص ۹۸.
۸. خاکباز، علی اکبر، *خانان محسنی*، ص ۵۵.
۹. همان، ص ۵۲.
۱۰. همان، ص ۵۳.
۱۱. رضوانی، محمد اسماعیل، *انقلاب مشروطیت ایران*، ص ۱۰۳.
۱۲. انصاری، مهدی، *شیخ فضل‌الله نوری و مشروطیت*، ص ۸۲.
۱۳. کرمانی، ناظم‌الاسلام، *تاریخ بیداری ایرانیان*، جلد دوم، ص ۲۸۵.
۱۴. خاکباز، علی اکبر، *خانان محسنی اراکی*، ص ۵۸.
۱۵. کسروی، احمد، *تاریخ مشروطیت ایران*، جلد اول، ص ۲۸۲-۲۸۱.
۱۶. همان، ص ۴۰۹.
۱۷. آیت، محمدعلی، *تاریخ سیاسی-اجتماعی خمین*، ص ۱۴۴.
۱۸. دهگان، ابراهیم، *تاریخ اراک*، ص ۲۰۹-۲۰۸.
۱۹. خاکباز، علی اکبر، همان، ص ۴۸.
۲۰. فصلنامه تحقیقات فرهنگی هنری استان مرکزی، راه دانش، شماره ۱۸-۱۷، ص ۲۵۰.
۲۱. ملک‌زاده، مهدی، *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*، ص ۴۵۵.
۲۲. *خاطرات دست‌نویس از آیت‌الله... پسندیده*، ص ۲۲ که نزد آقای عزیزا... سمیعی از اهالی خمین است.
۲۳. ذبیحی، مرتضی، *تاریخ اجتماعی اراک*، ص ۶۰ به نقل از *نامداران اراک* نوشته حسن صدیق، ص ۲۴۰.
۲۴. *راه دانش*، فصلنامه تحقیقات فرهنگی - هنری استان مرکزی، جلد ۴-۳، ص ۸۳.
۲۵. صدیق، حسن، *نامداران اراک*، ص ۲۴۱.
۲۶. دهگان، ابراهیم، *تاریخ اراک*، ص ۲۰۹.
۲۷. فصلنامه تحقیقات فرهنگی هنری استان مرکزی راه دانش، جلد ۴-۳، ص ۸۲.



منابع

- آیت، محمدعلی، تاریخ سیاسی-اجتماعی خمین، اراک، پیام دیگر، ۱۳۸۰.
- انصاری، مهدی، شیخ فضل/... نوری و مشروطیت، امیرکبیر، ۱۳۷۶.
- حائری، عبدالهادی، تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، بی نا، ۱۳۶۴.
- خاکباز، علی اکبر، خاندان محسنی اراکی، ناشر مؤلف، ۱۳۷۱.
- دهگان، ابراهیم، تاریخ اراک، بی نا، ۱۳۴۵.
- ذبیحی، مرتضی، تاریخ اجتماعی اراک، اراک، پیام دیگر، ۱۳۸۰.
- صالحی، روح...، تعارض در انقلاب مشروطه، نشر گزینش، ۱۳۷۸.
- کرمانی، ناظم الاسلام، تاریخ بیداری ایرانیان، بی نا، ۱۳۶۳.
- کسروی، احمد، تاریخ مشروطه ایران، امیرکبیر، ۱۳۵۹.
- ملک زاده، مهدی، تاریخ مشروطیت ایران، انتشارات علمی، بی نا.
- محتاط، محمدرضا، سیمای اراک، جلد چهارم، سایه اراک، ۱۳۷۲.
- نعیمی، داود، آیات سرمد، ناشر مؤلف، بی نا.
- فصلنامه تحقیقات فرهنگی، هنری استان مرکزی، راه دانش، شورای پژوهشی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان مرکزی، شماره ۴-۳، ۱۶-۱۵، ۱۸-۱۷.
- خاطرات دست‌نویس از آیت... پسندیده، ص ۲۲، که نزد آقای عزیزا... سمعی از اهالی خمین است.